

تاریخ رقص در ایران

بنیاد توس در سومین برنامه خود که در ۹ مارس ۲۰۰۸ در لوگان هال در لندن برگزار شد با نظری اجمالی به تاریخچه بیش از ۳۰۰۰ سال رقص در ایران اشاره کرد و بطور کلی به بررسی تقسیمات

تاریخی رقص از جمله:

دوران میثرائی

دوران هخامنشیان

تأثیر فرهنگ و هنر مغول و عرب در فرهنگ ایران

ممنوعیت رقص در اسلام

عرفان و سماع

دوران قاجار

دوران پهلوی

و اثر فرهنگهای خارجی خصوصا اروپائی و چگونگی شروع رشد رقص باله در ایران پرداخت.

در این رابطه از هنرمند جوان، باله نگار و طراح رقص، نیما گیان که باله های زیبای

سرزمین فیروزه

مولانا مولانا

زن

و سیمای جان

را به روی صحنه آورده بود تجلیل و قدردانی کرد.

این صحنه‌ها که بر اساس قصه‌های بومی ایران ساخته شده بود و یادآور قصه غصه‌ها در شالیزارهای ایران بود در مجموعه‌ای از نمادهای انسانی با ادغام رنگها، موسیقی سنتی و حرکات زیبا به طور سمبلیک پیام صلح و عشق را می‌رسانید.

بنیاد توس در هر نشست و برنامه خود سعی کرده است جوانان دور از خاک وطن را به یاد ریشه‌ها و ارزش‌های انسانی و ایرانی بودنشان بیاندازد و با زبانی آمیخته از مدرنیسم و سنتی گوشه‌ای از تاریخ هنر ایران را تصویر کند.

هدف کلی **بنیاد توس** توسعه اشاعه فرهنگ و هنر نبوده است بلکه با یادآوری تاریخ هنر ایران و تجلیل از هنرمندان ایرانی قدیمی و امروزی پیوسته سعی داشته است پیام «ایران و ایرانی فقط یادآور جنایت و تروریسم نیست و آرزوی صلح جهانی را در قلب می‌پروراند» را به گوش جهانیان برساند.

بنیان‌گذار **بنیاد توس** که در پروژه‌های قبلی خود توانسته بود با برگزاری چند برنامه با شرکت هنرمندان بین‌المللی به مدت ۳ سال تأمین بودجه و هزینه‌های تحصیل را برای شاگردان رتبه اول و برجسته در دانشگاه هاروارد بوستون با موفقیت به اتمام رساند، امید دارد که روزی **بنیاد توس** بتواند در همین جهت با پشتیبانی هنرمندان و مردم ایرانی به خود کفائی و درآمدهای آینده برسد و این درآمدها در جهت تأمین هزینه تحصیل و دادن بورس مجانی به دانشجویان ایرانی در دانشگاه شیکاگو مصرف شود و در این رابطه رئیس دانشگاه و رئیس قسمتهای انسانی و روابط خارجی دانشگاه شیکاگو به دعوت **بنیاد توس** به لندن آمدند و نطق کوتاهی دال بر تأکید این هدف کردند.

باله سرزمین فیروزه در آرزوی صلح جهانی

این اثر نمایشی از تلاش صلح برای پیروزی و شکست جنگ است.

پنج پری زمینی با پیام های صلح با حربۀ عاطفه و عشق عفریت جنگ را مغلوب کرده و عشق و امید با هم در می آمیزند تا نوزاد پاک صلح متولد شود.

مروارید: نمادی از سپیدی، پاکی، نیکی و نجابت اهورمزدا، اولین پیام آور صلح.

فیروزه: از ملکوت آسمان تا آبی آبهای جهان، رنگ تطهیر، سنگ توس و راوی اولین پیام صلح دنیا بوسیله کورش کبیر.

الماس: نماد درخشان بیرنگی، به شفافیت آئینه، مظهر درون گرائی، تولدی دیگر و نماد عصر فروغ.

زهره: سمبل پیروزی، طراوت و فداکاری سرسبزی سبزی ها.

یاقوت: نماد عشق، حرارت، شور و خروش، آتشی که سیاوش را تطهیر کرد.

مرد: جنگنده ای مظهر قدرت، خشم و غرور جنگ، یادآور دردهای بی امان انسانها.

مولانا – مولانا

مولانا: مولانا داستان عشق است، عشق است و عشق.
شوری عرفانی، بی شرط و روان.
اشتیاقی بی حد، پاک باختگی و یکی شدن.
وحدت و وحدانیت، داستان مرید و مراد و تطهر عریان.

زن: نمایی از روند تاریخی ستم بر زن است.

نمادی از دردها و ظلم اجتماعی که همواره بر زن در جوامع مختلف رفته است.

تا فرارسیدن عصر فروغ که سنت‌ها شکسته می‌شوند، شکوفه‌ها در یخ می‌شکفند، در شوره زارها لاله می‌روید و پرستوها ترک پرواز تاریخی‌شان را می‌کنند، کینه‌ها به عشق و جنگ‌ها به صلح ختم می‌شود.

سیمای جان: پرده‌ای است از نمایش یک زن دلتنگ عاشق که با خیال شوهر سوزن می‌زند، خانه می‌رود، قصه غصه‌هایش را می‌خواند، دلتنگ است.

دختران دیگر صحرا، این غنچه‌های نشکفته دشت در فضای سرسبز شالیزارهای ایران پیام خوش دلداری را تا به سر چشمه به او می‌رسانند و در اینجا حرکت تفاوت‌های شرم دختران جوان تا زنان عاشق تصویر می‌شود.

برخورد دو دلداده، اشتیاق وصلت، سرور همگانی، پیام «تا صلح باشد عشق هم از راه می‌رسد» را می‌رساند.